



# پادشاهی

نشریه ساه فرهنگی و اجتماعی جوانان



آبده چهل دختران دره اسپای منطقه الله یار ولایت خور

سال دوم شماره یازدهم سنبله ۱۳۹۲ خورشیدی برابر با سپتامبر ۲۰۱۳ م

## روش های ششگانه مطالعه



منظور من آوردن تغییر در چگونگی مطالعه متعلمان و محصلان عزیز است ، چونکه در دنیا ، هر چیزی از خود یک اصل ، قاعده و قانون دارد. برای اینکه ما بتوانیم به مطالعه با نتیجه یا مثمر دست یابیم ، بایستی مطالعه خود را زیاد کنیم و به کمترین وقت ، بیشترین مطالعه را داشته باشیم و برای نیل به این مأمول باید از قوانین ، و روش های گوناگون ، سبک ، سلوک ، طریقه و شیوه های مطالعه پیروی کرد.

حضرت محمد (ص) برای اولین بار ، خواندن را به امت خود هدایت کرد. بناءً توصیه من به متعلمان و محصلان گران و گرامی ، این است که در نخست روزنامه ها ، کتاب های داستانی و قصه هارا بیشتر مطالعه کنند، بخاطریکه به مطالعه و خواندن عادت کنند تاچشم ایشان باصطلاح گرم شود و برای مطالعه ، دانشمندان ، فیلسوفان متفکران ، اصولی را پیشنهاد کرده اند که باید رعایت گردد.

کسانیکه جدیداً بمطالعه آغاز میکنند ، 20 دقیقه بعد از مطالعه کردن باید 5 دقیقه تفریح کنند، زیرا تفریح ، خستگی شان را رفع میسازد و سپس آهسته آهسته ، برای 20 دقیقه و بعداً برای 30 دقیقه و بالاخره برای 45 دقیقه مطالعه خود را عیار سازند و بعد از 45 دقیقه مطالعه ، 5 دقیقه تفریح کنند که این یک معیار معیاری است. این ها سبک ها و روش های زیرین مطالعه اند:

- 1- خواندن بدون نوشتن: این یک روش کم ثمر مطالعه است، چونکه مطالعه پروسه فعال و پویا است ، برای رسیدن به این هدف ، باید با تمامی حواس خود برای درک صحیح مطالب مصروف مطالعه شد. باید نزد خود مطالب را خواند ، و در زمان مطلوب مطالب را با صدای بلند میتوان خواند و نکات مهم را یادداشت کرده تا باشد که مطالعه موجه جلوه کند ، تمرکز فکری و غرق بودن در مطالعه شرط اساسی یادگیری است که یاد داشت نکات مهم در کتابچه اختصاصی با ارزش است.
- 2- خط کشیدن زیر نکات مهم: این روش شاید نسبت به روش قبلی بهتر باشد ، ولی روش کامل برای مطالعه نیست ، چراکه بعضی از افراد بجای آنکه تمرکز و توجه برای یادگیری و درک خوبتری مطالب داشته باشند، ذهن ایشان معطوف و مصروف خط کشیدن است. در خط کشیدن اول باید مطالب دقیق خوانده شده و سپس زیر آنها خط کشیده شود.
- 3- حاشیه نویسی: این روش نسبت به روش قبلی بهتر است؛ بلی! این روش هم یک روش کاملی نیست.
- 4- خلاصه نویسی: در این روش شما مطالب را میخوانید و آنچه را که درک کرده اید بصورت خلاصه به روی کتابچه یادداشت باید بنگارید و این روش برای مطالعه مناسب و پیر بار تراست. چرا که در این روش ابتدا مطالب را درک گردیده و سپس یاد داشت میشوند.
- 5- کلید سازی : روش بسیار مناسب برای خواندن و نوشتن ، یاد داشت کردن نکات مهم یک موضوع است. در این روش شما بعد از درک مطالب نکات مهم ، بصورت نکات کلیدی یاد داشت میکنید که کوتاه ترین ، پرمعنی ترین از نگاه معنی و مفهوم است.
- 6- خلاقیت و اختصاص دادن شبکه (جائی) در مغز: این روش بهترین شیوه ، برای یادگیری ، خصوصاً برای فراگیری مطالب درسی است. در این روش شما مطالب را میخوانید بعد از درک واقعی ، نکات مهم را بزبان خود تان در آورده و بصورت نکات کلیدی یاد داشت و در مغز جابجا میکنید و سپس کلمات کلیدی را از نکات غیر کلیدی جدا ساخته و در یک ساحه ( شبکه ) از مغز اختصاصاً میگنجانید و بدین ترتیب مطالعه خویش را سازماندهی میدهید. و در صورت خواندن دوباره آنآ نکات کلیدی به ذهن شما بشکل درشت آن تبارز میکند. و این روش فیصدی پیروزی و موفقیت شما را تا حدودی فزونی بخشیده و درس خواندن شما را مثر و بار بر میسازد.

نصیر احمد "دادفر غوری" دانشجوی صنف سوم دانشکده اقتصاد دانشگاه خصوصی گوهر شاد واقع کابل

## تشییع جنازه

من که مردم به هوای لب شیرین کسی  
یا بدست مژده چنگل رنگین کسی  
در گوشم سخن از معشوق ومی ساز کنید  
نه زفر هنگ وره ومذهب و آیین کسی  
کفتم را به می ناب کس نید آلوده  
نشود حيله دم دیده تیزبین کسی  
روی قلبم بگذارید اگر ممکن بود  
نیمکی حلقه از کاکل پرچین کسی  
ساز تشییع مرا ساده بگیری چنان  
که نباشد گهی مانده تدفین کسی  
سرمرگم نگذارید سخن رانی کنند  
تا نباشم به پس مرگ، سخن چین کسی  
نگذارید که ملائی گلو پاره کند  
بهر توصیف کسی، یا به توهین کسی  
چار تکبیر مرا شیخ بخواند، که خودش  
بهر رشوه نبرد، دست به آستین کسی  
بنویسید به لوح سرقبرم که کسی  
بشد از دار جهان خسته و غمگین کسی  
کسی کوخفته در این خاک سیه بنده گکی است  
که نبوده است برسم وره و آیین کسی  
جمعه خان " فروتن "

## جرس تمديد و تعویق در بناگوش انتخابات سال 2014

احمد سعیدی

جزء تسلیمی چاره دیگری ندارد ، در حالیکه رئیس جمهور به عدم مداخله حکومت در پروسه انتخابات ، تعهد سپرده و والیها در ولایات هرچی در توان دارند ، به نفع حکومت انجام میدهند. برای من ، نظر ومشوره فرد فرد از آحاد ملت ، قابل قدر است ، چی از شرق و غرب و چی جنوب و شمال کشور و اما اگر عده با راه اندازی هیاهوی در چند ولایت ، اراده کل ملت را نا چیز فکر کنند ، اهانت بس بزرگی به اراده ، باور و وحدت ملی کشور خواهد بود. لذا از جناب توریالی " ویسا " والی قندهار تقاضا میکنم تا بجای هجا کردن نظر منتقدین دو ولایت ، آنرا بخواست و اراده کل ملت محول سازد و ملیت های با هم برادر افغانستان را در برابر یکدیگر قرار ندهد. اما اگر منظورش از نشخوار سیاسی ، مغشوش ساختن فضای سیاسی و امنیتی کشور ، بخاطر به چالش گرفتن انتخابات باشد ، باز هم یک حرکت غیر ملی بحساب میآید که امید وارم والی ها منحیث افراد دست نشانده حکومت، در مسائل سیاسی و خصوصاً در امور مربوط بانخابات مداخله نکنند. بقیه صفحه 2

آن ولایت ، از تمديد دوره ریاست جمهوری آقای کرزی سخن گفت و آنرا با نظر و اراده مردم ولایت قندهار و هلمند مستند ساخت. اما بیم آن میرود که در واپسین لحظات، عنوان درشت به تعویق انداختن و یا تمديد برسرلوحه انتخابات حک شود. از طرف دیگر ، تکیه کردن بر مشوره محاسن سفیدان این دو ولایت یعنی قندهار و هلمند ، نسبت به آینده افغانستان، این واقعیت را تلقین میکند که تصمیم طالبانیزم و تصمیم سلطانیزم و دموکراسی از ولایات مشخصی گرفته میشود و سایر بخش های ملت افغانستان در برابر اراده این مردم ، چاره جز لیبک گوئی ندارند.

مداخله والی یعنی مداخله رئیس جمهور است: مشکل دیگری که فرا راه خط و اندیشه سیاسی کشور وجود دارد ، بی اعتنائی اهرم قدرت ، بخواست و اراده ملت است و گاهی افراد عالیرتبه دولت ، مانند والی ها چنین فکر میکنند که هرچی میخواهند ، باید انجام شود و ملت

بلی! انتخابات در راه است و هرکسی بر عزمش در جزم باقیمانده ، هدفی را که پیشرو دارد به نحوی از انحاء ، دنبال میکند. و با آنکه پروسه و نتیجه انتخابات با تیشه زنی ورنده کاری در برخی ساختار ها و راهکار ها، بخاطر پیروزی قطعی تیم معمار کج کار و کج اندیش ، مهندسی شده به نظر میرسد ولی ، باز هم زمزمه های به تعویق انداختن و تمديد پروسه انتخابات ، از گوشه گوشه ولایات کشور ، حکایت از آن دارد که در پهلوی ساز و برگ برگزاری انتخابات ، نوای گزینه مورد دلخواه حکومت هم بگوش ها نواخته میشود ، نوا و ندائیکه میتواند منحیث گزینه بهتر ، پروسه انتخابات را زیر سؤال ببرد و آنجائیکه آقای امین "واکمن" شاخه حزب افغان ملت در کابل ، از تعویق برگزاری انتخابات و تشکیل حکومت مؤقت سخن گفت و توریالی "ویسا" والی قندهار، نمایند، خاص حکومت در



## ادامه، جرس تمديد و تعويق در بنا گوش.....

چگونگی این مسئله را تا جایی پیشینی کرده ام ، اما باید در یک کمیسیون تخصصی در ارگانهای محل مطرح و بحث شود نه در مقالات، چون درک بسیاری از واقعیت ها ، برای نویسندگان و روشنفکران ویا برای افشار دیگر مشکل است. ما وقتی موفق ایم که مشکلات یکدیگر را درک کنیم. مشکلات مردم، مشکلات حکومت ، مشکلات سیاسیون و جامعه مدنی ، هر کدام از این نهاد ها ، دارای مشکلات فراوانی اند که همه به کمک یکدیگر میتوانند این همه مشکلات را حل کنند. مردمی که امنیت را خود ایشان تأمین میکنند و مشکلات اقتصادی را خود ایشان رفع میکنند ، نوع رابطه ایشان با حکومت ، قابل دقت است ، خصوصاً مردمی که تا هنوز تذکره تا بعیت ندارند و نمیدانند این سند برای ایشان چه مفهوم واهمیتی دارد. بهمین ترتیب ، شخص منتخب ، نمیتواند با مؤکلین خود ، ارتباط تأمین کند ویا مشکلات ایشانرا انالیز و حل نماید. در چنین حالتی ، مسئله التزام و تعهد ، بدوش هیچ طرفی وجود نخواهد داشت.

فرار از مشکل راه حل نیست: میدانیم که بر گزاری انتخابات در کشوری چون افغانستان ، ساده و آسان نیست و این خود اش یک مشکل است واما حل مشکلات مارا به ساحل پیروزی ها میرساند. چنانچه شاعر گفته است:

گهر قیمتی از کام نهنگان آرند

آنکه راغم جان است به دریا نرود

بلی! برای بدست آوردن گهر قیمتی ، باید تا قعر دریا ، شنا کرد. نتیجه انتخابات برای ملتی که در نتیجه کشمکش قدرت ، ملیون ها کشته و مهاجر داده است ، کمتر از هیچ دانه پر بهانی نیست و به همین دلیل ، شایسته این است تا همه دست بدست هم داده ، راه بهتری را برای بر گزاری انتخابات وگرفتن رای مردم ، هموار سازیم. ما مشکلات امنیتی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی داریم ولی این ها هم نسبت به اصل انتخابات و باز تاب اراده مردم ، فرع اند. مردم با همبستگی و همکاری با قوای دولتی ، میتوانند تمامی قله هابه پیمایند و به فراز های بزرگتری عروج کنند. من هم به موجودیت مشکل عقیده دارم ولی کلید حل ، همیشه بدست خود انسانها است. انسان های هدفمند مؤمن وخدمتگار به مردم ، تا آنجائیکه انسانها بجای حل مشکل بزرگ شده مردم ، فکرکنند بخود فکر کرده و میکنند و ما با ذهنیت دادن ، مردم را در جهت همکاری بسیج کنیم تا مشکلی پیش روی ما نباشد. یا هو!

برای صداقت سارنوالی و قضا ، چی تضمینی وجود دارد وکدام کمیسیون ، کار آنها را تصفیه کند ویا همین مورد بذل اعتماد رئیس جمهور درحصبه ایشان کافی است؟ لذا بی اعتبار سازی کمیسیونهای انتخابات و مداخله در امور ایشان ، بمثابة یک بازی ، به سر نوشت ملت و شوخی با سیاست و اصول اداره است.

**نگرانی های درمورد نتیجه انتخابات:** مشکل ، پذیرش حق و قبول شرائط ناجور ودرهم ریخته افغانستان است و به همین دلیل است که طرف بازنده به شکست خود ، تن درنمیدهد و نتایج انتخابات ، همیشه مورد منازعه و کشمکش خواهد بود. لذا خوب خواهد بود تا سیاسیون افغانستان به داشته ها و امکانات افغانستان و مصارف ارزش های ملی ، ارج گذاشته و نتایج را با همه کاستی ها و نار رسانیهایی آن ، حتی الوسع ، بپذیرند. ما حالا در حال تمرین دموکراسی و برگزاری تقریباً سمبولیک این پروسه هستیم و امید واریم این پروسه ، در دراز مدت ، جا بیفتد. حالا ما اگر عوارض ، مشکلات ، کمبودات و نواقص را پهلوی هم بگذاریم ، طبعاً کم نیست ولی باید به اصل قضیه نگاه کنیم تا عقیده و عزم مردم بر اصالت انتخابات پخته و محکم شود.

اگر شما تلفات جانی و ریختن آبرو و اعتبار ملت افغانستان را بخاطر گرفتن بودجه انتخابات از خارجی ها ، دقیق حساب کنید ، در پهلوی آن مصارف نقدی و لوژستیک دیگری را به سنجش بگیرید، آنگاه میدانید که انتخابات افغانستان به چی قیمتی تمام میشود ، ولی با آنهم تا صندوق ها جمع نشده ، دست های مرئی و نا مرئی در صدد سبوتاژ کردن نتایج انتخابات اند. از کاندیدان نا کام شروع تا افراد کم سواد کشور و استخبارات منطقه و برخی رسانه ها ، تمامی این پروسه را بی ارزش جلوه میدهند طوری که انسان را به تعجب وامیدارد... اگر کمیسیون انتخابات توهین شود و نمایندگان منتخب ملت با تطمیع ، دچار تفرقه و اختلاف شوند و یار رئیس جمهور مداخله کند و بالای کمیسیونهای متصدی امور انتخابات ، کمیسیونهای دیگری را مؤظف سازد ویا صندوق های خالی را به نفع خود پر کند ، پس بهتر است که هیچ انتخابات صورت نگیرد.

**نقش مردم و حکومت در انتخابات:** رابطه مردم و حکومت خیلی ضعیف است، برای تأمین رابطه حکومت باید نوع دیگری از ساختار و تشکیلات اداری را رویدست بگیرد تا اداره از مرکز ولسوالیها به قراء و قصبات هم سرایت کند و من

اعتبار دارد. ملتی که احاد آن سند هویت ندارند ، رفتن ایشان بپای صندوق های رأیدهی عبث و بیهوده است. عدم توزیع سند هویت به اتباع کشور نشانه بی مهری و عدم احساس مکلفیت حکومت نسبت به ملت بوده وگرفتن رأی انتخاباتی از افراد فاقد کارت هویت ، مشروعیت نظام را تضمین نمیکند. حکومتی که تعداد دقیق و علایم معرف اتباعش را نداند مانند چوپانی است که گله بی نشان و بی عدد را دردم گرگان گرسنه رها کرده باشد. پس خیلی خوب خواهد بود تا حکومت تمامی تلاش خود را بخاطر توزیع سند هویت ، بخرچ دهد. فرضیه استفاده از کارت های کهنه ویا گرفتن کارت جدید رأیدهی ، قبل از گرفتن کارت هویت ویا باصلاح تذکره تابعیت ، یک حرکت ناقص و غیر موجه است ، چون برای رأی دادن در روز انتخابات ، اول کارت هویت ویا سند تابعیت را می بینند و بعد کارت رأیدهی را به آن تطبیق داده و در صورت صحت ، پروسه رأی دهی ادامه پیدا میکند. لذا بخاطر رأیدهی در روز انتخابات ، تذکره وکارت رأیدهی ، هردو ضروری است و نباید بخاطر اوضاع نا امن ، یک پروسه ملی بطرف جعل ویا بافتضاح کشانیده شود.

**مداخله غیر مستقیم :** همینکه حکومت ، کمیسیون گزینش را بخاطر انتخاب اعضای کمیسیون و متصدیان برگزاری انتخابات ایجاد کرده ، کافی است تا دیگر درمورد استقلال و عدم استقلال کمیسیون انتخابات قضاوت نکنیم. نهاد هائیکه مکلفیت بر گزاری انتخابات را تا اعلام نتایج بعهده دارند ، باید نزد ملت بحیث نهاد های معتبر و قابل اعتماد باشند. تصامیم رئیس جمهور در جهت توظیف کمیسیون های تشریفاتی فوق کمیسیون انتخابات ویا مداخله سارنوالی و محکمه ، از چالش های بزرگی است که در آینده ، ستاد بر گزاری انتخابات را نزد ملت ، بی اعتبار می سازد ، امید است که این بار چنین نشود. در تمامی کشورهای دنیا ، مسئله انتخابات الی تصحیح و اعلان نتایج ، مربوط به دو کمیسیون مستقل انتخابات وسمع شکایات انتخاباتی ویا محکمه است. دو نهاد اول نهایت معتبر، مستقل و مورد اعتماد ملت است و حکومت حق مداخله در امور آنها را ندارد. لذا قبولاندن قدرت دستگاه قضا بر کمیسیون مستقل انتخابات توسط حکومت ، یکی از چالش های بزرگ درپیشروی جامعه مدنی افغانستان است. اگر حکومت فکر میکند که کمیسیونهای انتخابات ، عمداً ویا سهواً خطا میکنند ، باید سارنوالی و محکمه در امور قانوناً مداخله کند. پس سؤال ایجاد میشود که

انتخابات و نقش احزاب سیاسی افغانستان: متأسفانه ، احزاب سیاسی افغانستان در موقف و جایگاه همه جانبه نیستند تا بتوانند راه گشودن وحل مشکلی را پیدا کنند ، حتی وجود تعداد احزاب سیاسی ، خود یک مشکل است. در این اواخر ، نشست های مکرری ، بین سران احزاب سیاسی صورت گرفت ، ولی طوری که انتظار میرفت ، تا کنون که فرصت کمی باقی است ، این احزاب موفق به معرفی کاندیدای واحدی نشده اند. خوب! این حس خود خواهی ، پدیده تازه نیست تا اینکه در مورد آن مجدداً ، غور کرد ویا از پیامد های آن ، شگفت زده شد ، نخیر! حالا دیگر ، هر تلاشی که صورت گیرد و آنچه را قصر ریاست جمهوری ، تصمیم بگیرد ، عملی میشود. در شرائط فعلی ، هیچ بدیل وگزینیه موفق تر ، از تیم داخل قصر ریاست جمهوری نیست ، چی هم زر دارند و هم زور ، ولی با آنهم ، توصیه میکنم تا این اقتدار را ، با برگزاری انتخابات، رنگ دموکراسی بدهند، چی انتخابات در هر کشوری بامعیار دموکراسی، نشانه ثبات و مظهر قانون پذیری است. ملت های بیدار و عاقبت اندیش ، بخاطر جلو گیری از ایجاد تنش و سوء تفاهم ، از مسیر همین کانال بطور مسالمت آمیز ، قدرت سیاسی را از یک فرد، جریان وگذار داده ویا از یک پروسه به پروسه دیگری ، انتقال میدهند. انتخابات یعنی آینه تمام نمای اراده مردم و این آینه باید به بزرگی اراده واهمیت سر نوشت مردم ، پاک وشفاف باشد. حال آنچه مارا بخاطر رفع نواقص ، کمبودی ها و تکمیل شرائط بر پائی یک انتخابات آزاد مستقل وشفاف به مبارزه می طلبد ، در چند مورد بطور فشرده ، در این نوشته پی میگیریم و ضمناً باید عرض شود که اهمیت و ضرورت تأمین امنیت، بخاطر برگزاری انتخابات ، آنقدر جدی است که نیاز به تبصره ندارد و در این نوشته به چالش هائی اشاره میشود که در داخل خود پروسه انتخابات ، نهایت با اهمیت است:

**مشکل نبود سند هویت و انتخابات:** برخی از مشکلاتی که مارا به چالش میکشاند ، طبیعی است ، مانند تهدیدات عدم امنیت ، اوضاع اقلیمی و جوی ، موانع جغرافیائی و غیره موانع شکل طبع را دارا است واما برخی مشکلات را ما می آفرینیم، مانند فرار از اثبات هویت اتباع کشور ، هر چندی که برخی از مردم ما تذکره تابعیت بدست دارند ، اما بخاطر چاپ مکرر تذکره ها ، حتی بطور جعلی ، اعتبار اسناد سابق را زیر سوال برده ، هویت اتباع یک مملکت از روی سند تابعیت ایشان ، ثابت میگردد و با بدست داشتن کارت رأیدهی ایشان

## فسونگری های شیطان

حکایت سوم	حکایت دوم	حکایت یکم
<p>هنگامی که خاوندگار (ج) ، نماز را فرض گردانید ، پس از این کار ، شیطان یک چیغ و فریاد بلند دردناکی ، زد، طوری که آواز اش را تمامی لشکر اش شنیده ، فوراً نزدش رسیده و در چهارسوی اش گرد آمده و جمع شدند. شیطان درحالت پریشانی ، درمورد فرض شدن نماز، برای لشکریان خود، تمامی قصه را گفت و برای لشکریان خود رهنمود داد تا بهر اندازه که میتوانند، مانع اداء نماز توسط مومنان عابد در اوقات ادای نماز شده و آنها را در اوقات نماز به یک کاری مصروف سازند، تا باشد که ایشان امکان و فرصت نماز خواندن را پیدا کرده نتوانند که لشکریان در پاسخ آری گفته و سپس شیاطین کوچک منظم در جوپه های دسته های لشکریان اش گفتند که: «اگر این کار ، از دست ما نشود، باز چی؟» سپس شیطان گفت که: «خوب! شما طوری کار کنید، هنگامی که آنان نماز میخوانند، باید چهار شیطان در چهار سوی آنها ایستاده شده ، طوری که ، یکی در سوی راست، دیگری در سوی چپ آن، یکی در بالای سر آن و یکی در نزدیک پای آنها در زمین. چنین کار کنید! از طرف راست صدا کنید که بطرف من نگاه کن! از سوی چپ صدا بزنید که طرف من نگاه کن! از سوی بالا آواز بلند کنید و بگوئید که بسوی من نگاه کن! و از سوی زمین صدابزنید و بگوئید که بطرف من نگاه کن! دایماً و سوسه بدهید که تیز تیز و با عجله و عجله نماز بخوانند، اگر باوجود اینقدر تلاش و کوشش ما، آنها مشغول ادای منظم نماز شوند، پس در نتیجه نهائی ما و شما (یعنی شیطان ها) تباه میشویم و اما خداوند (ج) نماز گزاران را میبخشد.»</p>	<p>یک روز حضرت یحی (ع) شیطان را دیدند که در بندش، چیزهای بسیاری لکتو و آویزان بود، در آن حال حضرت یحی (ع) از ابلیس پرسیدند که تمامی این چیزهای که در تن و بدن تو لکتو است ، همگی چیست؟، اما شیطان در جواب گفت: « این عیش و عشرت های دنیا است که من از این طریق ، فرزندان آدم را با آنها ابتلا میسازم.» سپس حضرت یحی (ع) پرسیدند: «در میان این همه چیزها ، برای اغواء من هم چیزی هست و یانی؟» پس از آن شیطان در پاسخ گفت: «بلی!»، «آنها هنگامی که شما اشکم سیر ، خوب نان میخورید، پس در آنحالت من، ادای نماز را برای شما گران ساخته و ذکر الهی بر سر شما گران و سخت تمام میشود. پس از آن حضرت یحی (ع) پرسیدند، غیر از این ، کدام چیز دیگری هم هست؟ اما ابلیس در پاسخ گفت: نه ، بخدا! چیز دیگری نیست، پس از آن حضرت یحی (ع) فرمودند که بخداوند (ج) قسم و سوگند است که پس از این ، من دیگر اشکم سیر نان نمیخورم.</p>	<p>یک روزی ، هنگامی که حضرت محمد (ص) از مسجد بیرون آمدند، دیدند که شیطان دردم راه ایستاده است. آن حضرت (ص) از وی پرسیدند که: " تو برای چی به اینجا آمدی ؟ «و شیطان در پاسخ گفت: «بحکم خداوند آدمم تا اینکه اگر شما ، چیزی پرسان نمانید، من پاسخ بدهم" ، سپس آن حضرت (ص) از وی پرسیدند که : " اینرا بگو! چرا وقتی که امت های من نماز را در جماعت ادا میکنند ، تو (شیطان) مانع آنها میشوی؟ " اما شیطان در جواب چنین گفت: " یا محمد (ص) وقتی که امت های تو ، بطرف ادای نماز میروند، من به یک تب سختی مبتلا میشوم و تا وقتی که آنها از نماز فارغ میشوند ، من در تب میسوزم " ، ولی پس از آن باز هم پیامبر خداوند عالم چنین پرسیدند که : " چرا مانع قرآن خواندن امت ها ی من میشوی؟" پس از آن شیطان در جواب گفت : " یا محمد! وقتی که ، آنها قرآن شریف را میخوانند ، من مانند یک سکه آب میشوم " . سپس رسول الله پرسیدند که : " تو چرا مانع جهاد امت های من میشوی؟ " ، در پاسخ شیطان چنین گفت: یا محمد (ص) هنگامیکه امت ها شما، روانه جهاد میشوند، در بند های پاهای من ، زنجیر ها پیچانیده میشود ، البته تا هنگامی که آنها باز گشت میکنند، من بندی واسیر میباشم» . باز حضرت پیغمبر (ص) پرسیدند: «حالا این را بگو که تو چرا مانع انجام کارهای خیر و دادن خیرات توسط امتان من میشوی؟» «پس از آن شیطان در پاسخ گفت: یا محمد! هنگامیکه امتان شما ، کار خیر میکنند و خیرات میدهند، بر سر من ، یک اره نهاده میشود و وجود من را مانند چوب اره میکند.»</p>

## واکسین حیوانی چیست؟ (به ادامه)...

بهترین زمان برای اجرای پیچکاری واکسینی درکشورهایی که ارقام دقیق درباره انواع بیماریهای ساری وهنگام شیوع امراض حیوانی وجود دارد، اجراء واکسین طی برنامه های منظمی، مطابق با دستورالعمل شرکت های تولید کننده واکسین، صورت میگیرد. اما درکشورما، بدلیل عدم موجودیت معلومات کافی، از موجودیت گونه های مشخص عوامل میکروبی بیماریها، زمان معین برای واکسین کردن، با در نظر داشت فصل سال و زمان شیوع امراض، در مناطق مختلف، طور جداگانه، تعیین میگردد، از اینرو بهتر است تا اقدام به اجراء واکسینهای حیوانی، همیشه در هماهنگی کامل با افراد مسلکی، صورت گیرد، زیرا زمان برای واکسین کردن نهایت مهم است. همچنان استفاده از تجارب گذشته در مورد موجودیت و زمان شیوع بیماریهای ساری حیوانی در منطقه، نهایت مفید ارزیابی میگردد.

آنچی که در مورد اجراء واکسین خیلی مهم است، عبارت از شناختن وقت دقیق شیوع امراض می باشد. از آنجائیکه پاسخ دهی به نیازهای سیستم دفاعی بدن، در برابر واکسین، با تولید مواد ضد میکروبی، بیشتر از دو هفته زمان می گیرد، بناءً هرگونه تأخیر در اجراء واکسین، تولید مواد ضد میکروبی را به تعویق انداخته و در نتیجه اعضای بدن حیوان، فرصت مناسب، برای مقاوم شدن را از دست می دهد. از جانب دیگر، اجراء قبل از وقت برخی واکسینها، مثلاً اجراء واکسین های فصلی چندین ماهه، قبل از فصل شیوع امراض، که ممکن است گذشت زمان، سبب کاهش مؤثر فعال مواد ضد میکروبی، در اعضای بدن شده و حیوان در زمان شیوع مرض، مجدداً نا توان گردد. در خیلی ها از موارد، زاد(سن وسال) و حالت صحتی حیوان نیز، در انتخاب زمان اجراء واکسین مهم میباشد.

درکشورما، داشتن معلومات دقیق، در مورد گونه های مختلف عوامل بیماریهای ساری وکشنده حیوانات، در دسترس نیست، بناءً بهتر است تا اقدام به انجام عملیه واکسیناسیون حیوانات، همه ساله، حد اقل یکماه قبل از آغاز فصل بیماری، مشخص و در واول اجراء واکسین وهم دو هفته بعد، در وودوم آن صورت گیرد. واکسینهای مورد توصیه، مانند اجراء واکسیناسیون حیوانات باردار و زانی، نیز باید در مدت زمان مناسب، صورت میگیرد، تا اینکه حیوان مادر، فرصت مناسبی، برای تولید مقدار کافی و انتقال مواد ضد میکروبی برای نوزاد را، نیز داشته باشد.

اجراء هرون و واکسین، آنها صرفاً برای حیوانات صحتمند، توصیه می گردد، زیرا حیوان بیمار، در عین اینکه با مریضی تبار دست و پاچه میزند، توان تولید مواد ضد میکروبی مشخص در برابر واکسین را کمتر خواهد داشت. در این صورت، ممکن است، استفاده اعظمی از اجراء واکسین برای اینگونه حیوانات بدست نیاید. این نکته در هنگام شیوع و پخش بیماری های ساری و بویادار حیوانی، بیشتر مورد توجه می باشد، زیرا وقتی در منطقه، یکی از بیماریهای بویادار و ساری شیوع پیدامینماید، و باعث تلفات شده باشد، تمامی حیوانات موجود در منطقه، مشکوک به گرفتار شدن ناجوری حساب شده و در معرض مصاب به خطر گرفتار شدن به بیماری، بشمار می روند، زیرا میکروب بوجود آورنده بیماری، پیش از مغلوب واز پای انداختن حیوان، چنین میکروب یک مدت را بشکل پنهانی و مخفی آن، در اعضای بدن حیوان سپری مینماید، تاباش که تخمه های آن افزایش یافته و تکثر کنند، تا حدی که توان حمله و امکان غالب و زور شدن بر نظام دفاعی بدن حیوان را بدست آورده و سپس بطور یکبارگی، کلیه اعضای بدن حیوان را مورد هجوم قرار دهند. بیشتر بیماریهای کشنده حیوانات، در آخرین ساعات، حیوان ناجور را از پا می اندازند و در بیشتر موارد، ممکن است تا قبل از تضعیف کلی حیوان و ظهور و پیدایش علائم کلینیکی شدید، در خیلی از حیوانات، بویژه در آن شمار حیواناتی که بشکل گروهی و یکجا نگهداری می شوند، چگونگی ابتلاء بمرض، نزد حیوان مشخص نشود. از اینرو، در فصل پخش و شیوع

## احمد طاهر " فخرزاد"

آن، کاهش و یا کاملاً از بین می رود، زیرا مشخصه میکروبی واکسین، که سیستم دفاعی را تحریک می کند، فقط وابسته به نوع پروتین، نهایت ضعیف می باشد که در هرگونه شرایط نا مساعد، تخریب میگردد. در افغانستان این یکی از مهمترین دلایل برای بی خاصیت شدن واکسین ها میباشد، که توسط افراد غیرمسلکی اهل بازار و سوداگری در دوکان ها، در شرایط بد، نگهداری و بفروش میرسد. در قدم اول واکسینهای وایروسی و پس از آن نگهداری انواع باکتریائی واکسین ها در شرایط نامساعد، شدیداً حساس می باشند. حتی گاهی اگر واکسین خوب هم نگهداری شود، ولی درست پیچکاری نگردد و بمقدار معین به بدن حیوان نرسد، این نیز یکی از عوامل دیگری بی اثر شدن واکسین پس از پیچکاری و تزریق بحساب میروند، بویژه در زمان منحل کردن واکسین های پودردار و یا هم تکان ندادن بوتل آبی محلول واکسین قبل از عملی ساختن پیچکاری، که این همه، عوارض تخنیکتی اند، که در نهایت باعث میشود تا بر علاوه اجراء پیچکاری واکسین، باز هم سیستم دفاعی حیوان، توانایی تولید مواد ضد میکروبی و ایجاد قدرت مقاومت لازم را بوجود نیاورد، و حیوان همچنان در معرض خطر گرفتار شدن بامراض قرار گیرد. یکی از عوارض عمده تخنیکتی، در عدم تولید مواد ضد میکروبی کافی، عدم اجراء پیچکاری در وودوم واکسین ها، خیلی ضروری می باشد، زیرا برای جلوگیری کامل از برخی بیماری ها، ضروری است تا سیستم دفاعی حیوان دارای بلندترین حد توانمندی گردد، از اینرو نیاز است تا در وجود حیوان در یک فصل، دو بار، عین واکسین پیچکاری گردد، بدلیل اینکه واکسین کردن یکمرتبه در مقابل برخی بیماری ها، مواد ضد میکروبی کافی، تولید نمی گردد، بناءً ضرورت است تا پس از گذشت چند هفته، پس از اجراء پیچکاری واکسینی در واول، در وجود حیوان یکبار دیگر، عین واکسین و یا مشابه آن پیچکاری گردد. در بیشتر موارد، پیچکاری در وودوم واکسین برای حیوانات باردار و زانی توصیه می گردد، تا اینکه سیستم دفاعی حیوانات مادر، بطور کامل، تحریک و مواد ضد میکروبی لازم، هم برای مادر و نیز برای نوزاد آن، داخل شکم شده و مصرف پس از زائیده شدن نوزاد، با اندازه کافی تولید گردد.

بهر حال، در آن ساحتی که شیوع و پخش امراض ساری و بویادار حیوانی، خطرناک به حساب می روند، با اجراء پیچکاری دوبار واکسین در یک فصل، اعضای بدن حیوان، بطور کامل در برابر حملات عوامل امراض زاء، آماده گردیده و مالک حیوان نیز دل جمع شده و هیچ جای تشویش در مورد شیوع مرض در آینده، باقی نمی ماند. مشروط بر اینکه، واکسین نه از طریق دوکاندار دستیاب، بلکه از منابع معتبر که کیفیت و اصلیت واکسین را تضمین کرده بتواند و بطور دقیق آن در معرض اجراء تطبیقی با نوع مرض قرار گیرد.

اکثریت واکسین های حیوانات که توسط شرکت های معتبر، تولید گردیده و نگهداری آن در شرایط معین صورت گرفته باشد وهم توسط شخص مسلکی پیچکاری شود، در همان دور واول، توانائی تحریک سیستم دفاعی بدن را، حیوان دارا میشود و نیاز به اجراء پیچکاری واکسین در وودوم آنها در فصل مشابه، نمی باشد. همچنین واکسین هائی که توسط کمپنی های معتبر تولید گردیده وهم نگهداری آن درست صورت گرفته باشد، بهیچ صورت، برای حیوان صحتمند وهم برای حیوان باردار (آیست- به اصطلاح مردم مالدار محل اووست) ضرر ندارد، زیرا پیش از اینکه، واکسین بدست داکتران حیوانات برسد، کمپنی تولید کننده، از عدم اضرار و عوارض ناهنجار آن اطمینان حاصل نموده و پس از آن با دادن معلومات بسنده و کافی، آنرا در اختیار مصرف کنندگان مسلکی قرار می دهند. پس هیچگاهی نگرانی ناشی از انداختن بی موقع نوزاد، آنها تنها بوسیله واکسین وجود ندارد، البته اگر دست داکتر حیوانات در کار باشد و نه دست اشخاص غیرمسلکی سوداگر بازار، دوای مورد نظر و واکسین حیوانی در افغانستان بهره خوبی خواهد داد.

## لغد نامه !!!؟؟؟

برق: در قاموس، "ادیسن" لات خوانده شده است، مگر در کشور عزیز افغانستان، این واژه را غالباً بصورت مرکب تلفظ میکنند؛ مثلاً: چوب دراز، کج و بیج خورده کنار سرک را میگویند، پایه برق به متخصص روسی که سه ماه، سر وزیر سیم های دزدی شده را پیدا نکرد، میگویند. انجینیر برق: جریان انکترونیکی خانه قدر را «برق ترو» و سیم های سرخ رنگ داخل گروپ چت آدم غریب را، برق نوبتی میخوانند. نصب ماشین های نوساخت پاکستانی را، بازسازی برق. متصدی یکی از ریاست های غیر فعال را، رئیس برق و برای دستاویز رئیس جمهور سریع الحرف یک کشور» وعده های برقی «میگویند.

2- ان جی او: اسن ترکیب اختصاری، در زبان انگلیسی، شاید سازمان غیر دولتی را معنی دهد، ولی قسمیکه در فرهنگنامه بازسازی آمده است، این معانی را نیز میتوان از آن، استخراج نمود.

سازنده بهترین پل های بی سرک و کم عرض، کشنده درازترین جوی های پلاستیکی و خاکستری، وارد کننده جدیدترین موتر های مد روز، مستاجر، شیک ترین دفاتر و خانه های بودوباش، مصرف کننده سیل آسا ترین بودجه های امدادی و بصورت نسبی، بیکاره ترین مدعی بازسازی افغانستان!

3- تفنگه مجازاً وسیله برای دفاع مشروع، ولی معنی واقعی اش، یکنوع ماده گاو شیریک میباشد که فقط یک لایخ (یعنی یکنالو) دارد و معمولاً این ماده گاو شیریک از طرف شب میچرد!

## با عرض معذرت از استاد مهوش!

وقتی رعیت شوی، راز دل ته، گفته نتانی

چقدر سخت است خدایا! چقدر رنج است خدایا!

رهبرت خنده کنه بادیدگران، تو بسوزی و برش گریه کنی

رهبرت بیایه، بپرسه که چرا !!!!!!!؟

تو برش گفته نتانی، چقدر سخت است، خدایا!

روز جرگه، بچینی گپ مفت، بر سر راه وطن فرش کنی؛

ملت ات بیایه، بپرسه که چرا !!!!!!!؟

تو برش گریه نتانی، چقدر درد است خدایا!

غیرتت، سفر کنه تنها شوی، از بر ملت خود جدا شوی؛

غیرت ات بیایه، بگوینه که چرا !!!!!!!؟

تو خوده کشته نتانی، چقدر ننگ است خدایا!

از امریکا بگیری تو مدال، بسر ملک خودت فخر کنی؛

مردمت بیایه، بپرسه که چرا !!!!!!!؟

تو دلیل گفته نتانی، چقدر شرم است خدایا! چقدر شرم است خدایا!

وقتی رعیت شوی، راز دلته گفته نتانی،

چقدر سخت است، خدایا! چقدر رنج است خدایا!

چقدر ننگ است خدایا!

برگرفته شده، از گزینۀ طنز "دهزاد" بدخشانی  
زیرنامه خطبه های... چاپ سال 1386 خورشیدی



ماهانامه: از مطالب و مقالات ارسال شما استقبال مینماید.  
 ماهانامه: در رد، پذیرش، ویرایش و تلخیص مطالب، دست آزاد دارد.

سر دبیر: محب الله "منش"  
 معاون سر دبیر: زمان "زفت"  
 ویراستار: عبدالمنان "ظهير"

ماهانامه: مسئولیت های ناشی از تخطی های محتوایی را بعهده نگارشگران و نویسندگان مطالب و مقالات میداند.

تمویل کنندگان: مردم الله یار و غور.  
 آدرس برقی: abmannan\_zaher@yahoo.com  
 Email: Mohib.manish@gmail.com Mobile No:0796148879

## جوانان و بحران هویت

حشمت الله "محمدی" - از پوهنتون کابل

## چرا باید حفظ الصحة دهن و دندان هارا رعایت کنیم؟



از دندان ها حفظ الصحة اهمیت بسیار دارد؛ زیرا کار دندان ها، میده کردن است. اگر خوردنی ها را بجویم، نخست غذا بیشتر لذت برد. اگر خوردنی، خوب جویده شود، هضم غذا راحت تر و آسانتر انجام شده و در نهایت مشکلات معدوی کمتری خواهیم داشت.

همگان دوست دارند تا دندان های سالم و دهن خوشبو داشته باشند، بوی بد دهن، علاوه بر اینکه موجب دوری و گریز اطرافیان میشود، برای خود شخص نیز آزار دهنده است. هر چند بسیاری از بیماری ها، مثل گلو درد، سینوزیت (گوشه و استخوان زاید کشیدن) و بیماری های داخلی دیگری می توانند موجب ایجاد بوی بد دهن شوند، اما یکی از دلایل بوی بد دهن، باقی ماندن ذرات غذا در بین دندان ها و در نهایت رشد میکروب ها است. اولین اقدام برای برطرف کردن بوی بد دهن، جلوگیری از خرابی دندان ها و التهاب بیره هاست.

با رعایت حفظ الصحة دهن و دندان ها، اشخاص مواظب دچار التهاب های بیره و دندان ها نمی شوند. این نوع التهاب را نباید دست کم گرفت؛ زیرا التهاب بیره ها و دندان ها تنها بدهن محدود نشده و ممکن است از طریق خون، به سایر اعضای بدن مثل قلب برسند و باعث آسیب شوند. برای داشتن دندان های سالم، مراقبت از دندان ها باید از ابتدای زندگی آغاز شود. هر یکی از ما نظر باینکه چقدر حفظ الصحة دهن و دندان های مان را رعایت می داریم، ممکن است تعدادی از دندان های سالم، بزرگ کرده، پوش شده و مصنوعی داشته باشیم. در هر سنی، با داشتن دندان طبیعی، با مصنوعی و حتی بدون دندان بودن، باید حفظ الصحة دهن را رعایت کنیم و حد اقل روزانه باید سه مرتبه دندان ها را برس کنیم و اگر در روز سه مرتبه برس کرده نمیتوانیم، روز دو یا یک مرتبه، باید برس زده شود؛ تا باشد که دندان های سالم داشته باشیم و غذا را بهتر و خوبتر بجویم و هضم کنیم. وهم در آینده مشکلات معدوی نداشته باشیم. به امید اینکه از این مطالب یک ثمره گرفته و مطالبی را آموخته و عملی کرده بتوانید.

**خیرالله "خیر خواه" دانشجو انستیتوت طبی خصوصی ابو علی سینا بلخی**

دین یک ایدلوزی، شامل و فراگیری است که ابعاد زندگی را در حوزة خود، جای میدهد و مأموریت آن تنظیم رابطه انسان با خدا، باهستی، با انسان و بانفس خودش است. لذا هویت دین مسلمان، بسی گسترده تر از این است که در ایجاد رابطه میان انسان و خدا، خلاصه شود، بلکه همه جوانب زندگی را در بر میگیرد. دین بعنوان یک قانون فراگیر، فرهنگ و تمدن می آفریند.

چنانچه تا حال گفته آمدیم، بحران هویت به بزرگترین مشکل و معضل جوانان ما تبدیل شده است؛ چی آیا بحرانی خطرناکتر و بزرگتر از این میتواند باشد که جوانان تحت تأثیر تعالیم و وسایل اطلاع رسانی مدرن غربی قرار دارند و در نحوه اندیشیدن و شیوه تعامل با عقیده و دین، به روش غربیها عمل میکنند و حاضر اند تا در راستای همسویی با غربیها یک شبه، با تمامی آداب، رسوم، فرهنگ، مقدسات و ارزش های اصیل دینی و ملی، و داع بگویند و بدبختی اصلی اینجاست که تمامی این اعمال را، پیشرفت و تمدن قلمداد میکنند. بعضی از کسانی که، لاف روشنفکری و پیش کسوتی میزنند، چنین می پندارند که در صورت وداع با فرهنگ خودی، همچون مردمان غرب زمین؛ مخترع، خلاق و پیشرفته هستند. حال آنکه دسترسی غرب به قله های رفیع علم و تکنالوژی مادی، محصول تلاش خستگی نا پذیر آنها در راه کسب دانش است، نه وداع با دین، فرهنگ، سنت های اصیل و اخلاق فاضله.

بامید روزی که مسلمانان بخود بیایند و با شناخت هویت اصلی خود و باتمسک به قرآن و حدیث، دوباره به مجد و عزت از دست رفته خود دست یابند.

۱ - بیگانه ساختن مردم کشورهای در حال توسعه (بویژه مردمان کشورهای اسلامی) باینجادهای فکری، ساختارهای فرهنگی، ارزشهای دینی و ملی و در عوض جایگزین کردن الگوی فرهنگی، فکری، و اخلاقی دیستان سیکولار غربی.

2 - تاراج و غارت منابع طبیعی خداداد و ثروت های خام روی زمینی و مواد کانی و معدنی زیرزمینی مسلمانان، آنها را زیر نام پخش دموکراسی و دفاع از حقوق بشر!

### تعریف هویت

کالبد شگافی هویت از اینرو ضرورت پیدا میکند که طرفداران گرایش های مختلف فکری و سیاسی، پیرامون معنی و مفهوم آن اختلاف نظرهای فراوانی پیدا کرده و باریاب تعاریف گوناگون مبادرت ورزیده اند.

اما مامسلمانان به لحاظ اینکه در حوزه فرهنگ اسلامی خود می اندیشیم و بر اساس آن، پیرامون اشیا، حکم صادر میکنیم، طبیعی است که تعریف مخصوص و ویژه خود را بایستی از واژگان داشته باشیم. مثلاً: داکتر محمد "عماره" میگوید: «هویت هر چیزی، در فرهنگ و عرف اسلامی، مأخوذ از (هوهو) و عبارت از جوهر، هسته، حقیقت و لب آن است، هویت انسان یعنی جوهر و هسته و لب انسان و آنچه انسان بوسیله آن انسان میشود و باقیه حیوانات امتیاز پیدا میکند، و این تعریف در مورد فرهنگ و تمدن و سایر اشیا نیز صادق است. به تعبیر دیگر، هویت رومی توان به اثر انگشت تشبیه کرد. زیرا چنانکه از کانال اثر انگشت، اشخاص را شناسائی میکنیم، هویت نیز موجب شناسائی شخص و یا چیزی می شود.»

دنیای سرمایه داری غرب و در رأس آن کشور امپریالیستی امریکا، میکوشد تا با استفاده از عامل (برقراری نظم نوین جهانی) و فرایند (جهانی سازی)، فرهنگ و اندیشه های خود را با زور بحیث الگو بر همه جهانیان (بویژه بر جهان اسلام) تحمیل کند. اگر ملتی از پذیرش بدون قید و شرط از خواسته های آن کشور، ابا و رزد و در صدد مقاومت و حفاظت هویت دینی و ملی خود بر آید، باید مورد تهاجم نظامی واقع گردد.

جهان سرمایه داری غربی، آشکارا و بی پروا اعلام میدارد که خواهان تحمیل الگوی فکری، فلسفه سیاسی (لیبرالیسم) طرز حکومت و نظام سیاسی (دموکراسی - مردم سالاری) بر همه جهان است. غرب در صدد است تا از طریق مزدوج ساختن فلسفه لیبرالیسم، طرز حکومت و نظام دموکراسی، جوامع بشری را بسوی سیکولاریسم (جدائی دین از سیاست) سوق دهد، همه انسان های جهان را در طرز تفکر، تعقل و روش زندگی سیکولار، پرورش دهد و آنها را طوری به بار آورد که جزاین جهان و بهتر ساختن زندگی در آن (بعبارت دقیق تر، مسابقه در دنباله روی و تقلید از غرب) بهیچ چیزی دیگری فکر نکنند. لغزش دنیای غرب در دامن سیکولاریزم به دلیل فقدان ایمان صحیح برگرفته از وحی الهی و اصول طبیعی است و بدین وسیله میخواید خود را از بحران درونی برهاند. ولی این مقوله بر جوامعی که از نیروی قوی ایمان و معنویت بهره مند اند، و در سایه آن، از اطمینان روحی بر خوردارند، صدق نمیکند. دنیای سرمایه داری، برخلاف هیاهوی جار و جنجال تبلیغاتی اش، دو هدف اساسی را در ورای این تحرکات مودبانه دنبال می کند:

الحمد لله والصلوة والسلام علی رسول الله و علی آله وصحبه و من و لاه امابعد: در این مقاله، قرار است، تا باین پرسش، پاسخ داده شود که مسلمان کی است؟ و هویت وی چی است؟ باید به چی چیزی افتخار کند؟ مایه عزت و ذلت خود را در چی بداند، معیار دوستی و دشمنی اش چی باشد، دشمن مسلمان کی بوده و راهکارهای دشمنی اش در برابر مسلمانان کدام ها است.

جوان مسلمان! آیا خودت را می شناسی؟ آیتاریخ ظهور هستی یابی دین خود را میدانی؟ آیا نیاکان خود را میشناسی؟ مجد و عزت خود را در چی میدانی؟

تو از سلاله بهترین و شریف ترین انسان ها، از سلاله صحابه نیکو سیرت هستی؛ تو از نوادگان علی بن ابی طالب، اسامه بن زید، خالد بن ولید، عبد الله بن عمر، عبدالله بن عباس، مصعب بن عمیر، بزرگان دیگری، از جوانان صحابه اطهار، تو کسی هستی که تاریخ را تغییر داده و توحید را در جهان بشارت و نشر نموده اید. تو کسی هستی که به طاغوت های جهان درس دادی که بعد از چهارده قرن، هنوز آنها فراموش نکرده اند. تو کسی هستی که پرچم عزت را بلند و خود را فدای دین نمودی. بهترین سلام و درود بر جوانانی که گنجینه و خزانه گران بهائی ما هستند، همانگونه که اصحاب کرام (رضوان الله علیهم اجمعین) جوانان شامخ و سندا افتخار انتشار دین بودند، یکی از معضل های اصلی بشر، در جهان امروز (بحران هویت) است. که تهدیدها و خطرهای ناشی از آن، بیشتر از هر لایه اجتماعی دیگری نسل نوجوان و جوان ممالک در حال توسعه (بویژه ممالک اسلامی) است.

## از اقصای زمین چه میدانید؟

حمیدالله "شریفی" محصل رشته جیولوجی و معادن دانشگاه پولیتخنیک کابل

دانشمندان تمامی اقصای زمین را به دو دسته یعنی خارجی و داخلی تقسیم نموده اند که هر کدام از این اقصا، به قسمت های جداگانه تقسیم میشوند و ما در اینجا، اقصای داخلی زمین را بطور بسیار مختصر، بشکل زیرین مطالعه میکنیم:

اقصای داخلی زمین به سه قسمت ذیل (یعنی قشر زمین یا لیتوسفر، منتل و هسته) زمین تقسیم میشوند:

لیتوسفر: عبارت از همان قشر سنگی و خارجی زمین است که تا عمق ۷۰-۱۲۰ کیلومتر قرار داشته و ترکیب سنگ های آن بسیار مختلف است؛ اما بصورت عموم، این قشر را به سه طبقه دیگر نیز تقسیم مینمایند که عبارت اند از: طبقه رسوبی، طبقه گرانیتی و طبقه بزالتی که این طبقات از اجزای مختلف تشکیل شده و به ترتیب یکی بالای دیگری قرار گرفته اند.

مانتل: در عمق ۸۰ تا ۲۹۰۰ کیلومتر موقعیت داشته که حرارت آن در قسمت های نزدیک هسته ۲۳۰۰°C می رسد، ولی مواد در مانتل به شکل جامد هستند. این قشر نیز بنوبه خود به سه قسمت تقسیم شده است که عبارت اند از قسمت فوقانی، قسمت وسطی و تحتانی. زلزله ها و آتشفشانها در قسمت فوقانی این قشر تولید میشوند و این قشر نسبت به هسته زمین نا متجانس است.

هسته: در مورد هسته زمین، نظر به عمق زیاد آن، انسانها معلومات کمتری بدست دارند. هسته را به دو قسمت خارجی که تا عمق ۵۱۰۰ کیلومتر و داخلی که تا عمق ۶۳۷۰ کیلومتر قرار دارد و این رقم برابر با شعاع کره زمین است، تقسیم مینمایند و هسته زمین اکثر از نکل و آهن ترکیب یافته است.

## اهمیت وقت برای متعلمان و محصلان

وقت، گوهر گران بهائی است که در گرانی و ارزش آن، هیچ چیز دیگری به پایه ارزشمندی آن نمیرسد. اگرچی طول عمر انسان در این دنیا، محدود است و در مقایسه با دنیای ابدیت اندک و ناچیز است، اما اگر انسان قدر آنرا بداند و از هر لحظه آن به خوبی استفاده کند، شک و تردید نیست که میتواند توشه ابدی را از آن برگرد. این بیان اهمیت و ارزشمندی وقت، برای همه است، اما برای متعلمان، ارزش مند تر است و یکی از جمله بند های لقمان حکیم به فرزندش این بود که میگفت: «فرزند دل بندم! برخی از روزها، سالها، لحظه های عمرت را به کسب علم و دانش پرداز، زیرا بی هیچ، ضایع کردن آن چون تضييع و تلف کردن آن نیست»

متعلم و یا محصل، قبل از آنکه حایز مقام و منصب والائی در دستگاه دولت گردد و یا اینکه به پیشه خصوصی اشتغال ورزد و قبل از آنکه در سنین بالا به داشتن علم و فضل مشهور شود، در دوران جوانی از فرصت های این دوران برای تحصیل علم و دانش، بخوبی بهره جوید، زیرا به محض آنکه انسان، دارای مقام و منزلتی در جامعه شود و به داشتن علم و دانش در کلماتی مشهور گردد، چنین شغلی نه تنها اینکه میان این شخص، کسب و درک کمالات معنوی و علمی او، بزرگ ترین مانع و فاصله را ایجاد میکند، بلکه چنین وضعی، بحیث عامل قوی و علت اساسی در شورو شوق مطالعه و مانع رشد سطح علمی و باعث رکود علمی گردیده و اختلال را در چنین فردی بوجود خواهد آورد.

ناگفته نماند، گرچه کسب دانش وقت اختصاصی سنی ندارد و حتی در دوران پیری هم نباید از طلب علم بازماند، چنانچه حضرت علی (رض) میفرماید: «طلب دانش از خورد سالی، چون نقش بر سنگ است.» از اینرو، جوانان به خاطر آمادگی، پذیرش سختی ها بادر نظر داشت هیجان دوران جوانی و زمان رشد استعداد شگفت

آور خود، باید بیش از هر کس دیگری، قدر وقت را بدانند و از این دوران گرانبها بخوبی بهره ببرند. حضرت علی (رض) بازمه در جای دیگری چنین میفرماید: "سخت ترین غم، از دست رفتن فرصت ها است". و نیز به ادامه میفرماید: «فرصت ها چون ابر میگرددند، بکوش که در راه خیر، از آن ها بهره گیری و گرنه، پشیمان میشوی.»

متعلم و محصل عزیز! هر نفسی که میکشی، دمی از عمر عزیزت میگذرد و یا به عبارت بهتر، یک قدم، بجانب مرگ نزدیک میشوی.

از پیامبر (ص) درباره عمر پرسیدند و ایشان در پاسخ چنین فرمودند: «در روز قیامت، بنده، قدم از قدم برنمیدارد مگر آنکه از وی پرسیده شود که عمرش را در چی اموری صرف کرده است و جوانی را در چی چیزی به پیری رسانیده، مالش را در کجا صرف نموده، امام و رهبرش چی کسی بوده است.»